





«از پدرم، موسی بن جعفر شنیدم که گفت: از پدرم جعفر بن محمد شنیدم که گفت: از پدرم محمد بن علی شنیدم که گفت: از پدرم علی بن الحسین شنیدم که گفت: از پدرم حسین بن علی شنیدم که گفت: از پدرم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب شنیدم که گفت: از پیامبر شنیدم که گفت: از خدای عزوجل شنیدم که گفت:

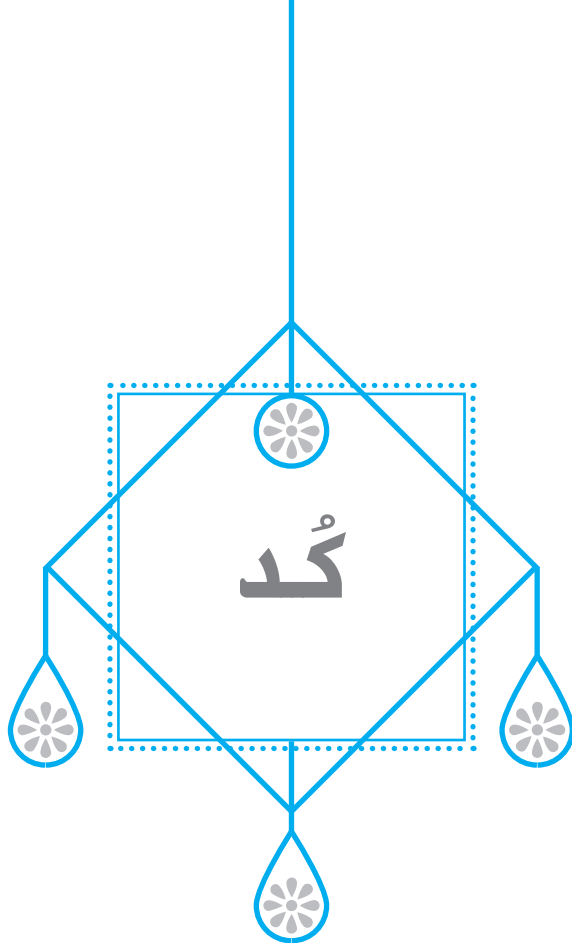
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي

(لا اله الا الله دژ من است؛ پس هرکس به دژ من درآید، از عذاب من ایمن خواهد بود.)»

چون کاروان به راه افتاد، امام فریاد زدند:

يَسْرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا

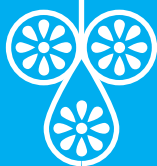
(با وجود شرط‌های آن و من از شرط‌های آنم.)»

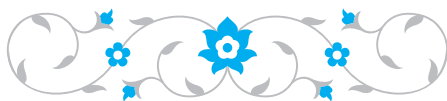


شرح حدیث شریف عنوان بصری

فهرست

مقدمه ناشر.....	۷
مقدمه کتاب.....	۱۱
سند حدیث عنوان بصری.....	۱۴
شرح گذرای روایت.....	۱۷
راههای تحصیل علم حقیقی.....	۳۰
چیستی حقیقت عبودیت.....	۳۶
آثار حقیقت عبودیت.....	۴۰
وصایای نه‌گانه امام صادق علیه السلام.....	۵۳
سه توصیه در ریاضت نفس و آداب خوردن.....	۵۸
سه توصیه در باب حلم.....	۶۲
سه توصیه در باب علم.....	۶۷
کتابنامه.....	۷۷





مقدمه‌ناشر

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۱؛ من فقط مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را به کمال و تمام برسانم.

مسلماناً اصلاح اخلاق و روحیات درونی یکی از مهمترین هدف‌های بعثت انبیاء است که بدون آن هدف نهایی که رسیدن به لقاء خداست، تأمین نخواهد شد.

یکی از مشکلاتی که در این راستا وجود دارد کمبود کتابهایی است که برنامه‌های عملیاتی ساده و اثرگذار را در این راستا عرضه کند که نسل جدید بتواند به راحتی با آن ارتباط برقرار نموده و از آن استفاده نماید.

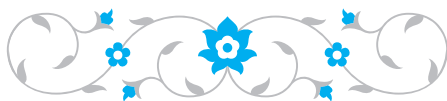
مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی با توجه به وظیفه‌ای که در حقّ نسل جوان معاصر دارد و با توجه به بایسته‌های گام دوم انقلاب که رهبر معظم مدّظله‌العالی تأکید فرمودند، خصوصاً مسألهٔ رشد اخلاق و معنویت، بر عهدهٔ خود دید تا در راستای شفاف سازی مفاهیم اخلاقی و تبیین فلسفهٔ آن و نیز ارائهٔ راهکارهای عملیاتی کاربردی گامی برداشته و محتوای عمیق معرفتی را در قالبی نوین در ضمن سلسله کتابهایی برای استفاده نسل جوان ارائه نماید؛ کتاب پیش رو که به شرحی گذرا بر حدیث ارزشمند «عنوان بصری» می‌پردازد قدمی در این مسیر است.

محتوای این حدیث، طیف گسترده‌ای از موضوعات اخلاقی و سلوکی را همراه با راهکارهایی ساده و اثربخش دربرمی‌گیرد: از کیفیت معاشرت و خلوت، چگونگی و مقدار غذا، شیوهٔ صحیح تحصیل علم، مراتب حلم و بردباری، حدّ لازم شکیبایی در برابر تندی و هرزه‌گویی دیگران، تا بیان مقام عبودیت، تسلیم، رضا و در نهایت، وصول به قلّهٔ توحید. از این رو، می‌توان آن را طرح کلی یک برنامهٔ تربیتی همه‌جانبه برای طالب راه خدا و به دیگر سخن کُد عبور به سوی خداوند و شاه‌کلید سلوک دانست.

کتاب حاضر شرحی گذرا بر این حدیث ارزشمند است که ابتدا به توضیح درباره اهمیت این حدیث شریف و بررسی سند آن پرداخته و پس از آن در طی پنجاه نکته، درسهای این حدیث را به

شکلی واضح و کاربردی و کوتاه روشن می نماید.
امیدواریم این تلاش ناچیز قدمی باشد در راه ترویج اخلاق
و معنویت در جامعه اسلامی و مورد رضای حضرت امام زمان
ارواحنا فداه قرار گیرد.





مقدمه کتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ
وَلَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

یکی از روایاتی که مجموعه‌ای جامع و منسجم از نکات و گدھا و کلیدهای سلوکی را در خود جای داده و همواره مورد توجه عارفان بزرگ بوده است، حدیث منقول از امام صادق علیه السلام است که به نام راوی آن، «عنوان بصری» شهرت یافته است. این روایت، توضیح نسبتاً کاملی از حقیقت عبودیت و بندگی خدا و راه‌های وصول به آن ارائه می‌کند و در میان احادیث عمیق عرفانی، به منزله دستورالعملی زنجیروار است که مطالب کلیدی را گام به گام و پیوسته بیان کرده است.

در آغاز حدیث، سخن از «علم» است و تقسیم آن به علم حقیقی

و رسمی، یا لَدُنّی و اکتسابی؛ سپس بر این نکته تأکید می‌شود که طلب عبودیت، مهم‌ترین و اساسی‌ترین راه دست‌یابی به علم لَدُنّی است؛ و از آن پس شاخصه‌های حقیقت عبودیت را بیان می‌فرماید تا آن‌جا که شاید در هیچ روایت دیگری، حقیقت عبودیت با این جامعیت و وضوح تبیین نشده باشد. در ادامه نیز نُه دستورالعمل بسیار مهم، کلیدی و در عین حال ساده، دربارهٔ آداب عبودیت مطرح می‌شود.

به همین سبب، عارف بالله حضرت آیه‌الله حاج سیدعلی قاضی قدّس سرّه که جامع علم و عمل و فقه و عرفان و معقول و منقول بودند از میان انبوه روایات، بر حدیث عنوان بصری تأکید ویژه داشتند و آن را برای سالکان مبتدی، برترین روایت می‌دانستند؛ به‌گونه‌ای که عملاً یکی از ارکان اصلی سیر و سلوک در مکتب ایشان، التزام عملی به مضمون همین روایت بود.

حضرت علامه طهرانی قدّس سرّه می‌فرمایند:

«مرحوم استاد بزرگ، عارف بی بدیل قرن [آیه‌الله حاج سیدعلی قاضی قدّس سرّه] برای گذشتن از نفس اماره، و خواهش‌های مادی و طبعی و شهوی و غضبی که غالباً از کینه و حرص و شهوت و غضب و زیاده‌روی در تلذذات بر می‌خیزد، روایت عنوان بصری را دستور می‌دادند به شاگردان و تلامذه و مریدان سیر و سلوکِ اِلَیَّ الله تا آن را

بنویسند و بدان عمل کنند. یعنی یک دستور اساسی و مهم، عمل طبق مضمون این روایت بود. و علاوه بر این می فرموده اند باید آن را در جیب خود داشته باشند و هفته ای یکی دو بار آن را مطالعه نمایند و شاگردان خود را بدون التزام به مضمون این روایت نمی پذیرفته اند.^۱

فرزند مرحوم آیه الله قاضی، آقاسید محمد حسن قاضی رضوان الله علیه نیز در این باب می گویند:

«آیه الله قاضی بسیاری مواقع از ما فرزندان کوچک می خواستند که حدیث عنوان بصری را با خطی خوانا بنویسیم و نسخه ای که از همه صحیح تر و خوش خط تر بود را برای خود نگه می داشتند و آن را به کسانی که به ایشان مراجعه می کردند و خواهان دستور سلوکی و برنامه تربیتی بودند می دادند؛ خصوصاً کسانی که شرایط حضور پیوسته در جلسات ایشان برایشان فراهم نبود.»^۲

۱. روح مجرد، ص ۱۷۵.

۲. صفحات من تاریخ الأعلام، ج ۱، ص ۱۹۷.

سند حدیث عنوان بصری

این حدیث شریف، برای نخستین بار در کتاب «مشکاة الأنوار»^۱ اثر علی بن الحسن الطبرسی نوّه فضل بن الحسن طبرسی (م ۵۴۸ق) نقل شده است. کتاب در برگیرنده روایاتی فراوان است که مصادر اولیه آن از دست رفته و فقط از طریق این کتاب به ما رسیده است.^۲ پس از آن دو فقیه عارف بزرگ شیعه محمد بن مکی معروف به شهید اول (م ۷۸۶ هـ.ق) و زین الدین بن علی مشهور به شهید ثانی (م ۹۶۶ هـ.ق)^۳ با باز نشر این روایت بر شهرت آن افزودند. از قرن یازدهم به بعد، باره یافتن این حدیث به مجموعه‌های بزرگی چون «بحار الأنوار»^۴، «وسائل الشیعه»^۵ و سپس «مستدرک الوسائل»^۶، جایگاه آن در میان اهل حدیث و عرفان بیش از پیش استوار شد. ممکن است از نظر رجالی گفته شود این روایت، سند متصل و

۱. مشکاة الانوار، ص ۳۲۵-۳۲۸.

۲. از جمله این کتب، کتاب محاسن برقی از منابع اصیل و قدیمی حدیث شیعه است که تقریباً نسخه کامل آن در دست جناب طبرسی بوده و ایشان بیشتر مطالب کتابش را از آن نقل نموده و بعداً بیشتر قسمتهای این کتاب ارزشمند گم شده است (رک: خاتمة مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۲۳۸).

۳. منیة المرید، ص ۱۴۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۲۴.

۵. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۷۲.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۲۲.

مسند به معنای اصطلاحی ندارد؛ اما روایات اخلاقی نیازمند سند متصل مانند روایات فقهی نیست و اگر قرائنی بر صحت آن وجود داشته باشد و محتوایش با دیگر روایات مطابق باشد به عنوان یک حدیث اخلاقی پذیرفته می شود.

این حدیث گذشته از آنکه مورد تأیید حدیث شناسان بزرگی که نامشان گذشت، می باشد، از جهت محتوا، دارای متنی استوار و ممتاز است که به روشنی با قرآن کریم، مسلّمات حدیثی و تعبیر روائی و تجربیات عرفانی و معارف عقلی سازگار است و از این جهت، بسیاری از بزرگان اهل معرفت آن را پذیرفته اند. از جمله، مرحوم قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹ق)،^۱ مرحوم شیخ بهائی (م ۱۰۳۱ق)،^۲ فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ق)،^۳ آیه الله حاج میرزا جواد ملکی تبریزی (م ۱۳۴۳ق)^۴ قدس سرهم و دیگر بزرگان به این حدیث اقبال نشان داده اند. در دوران متأخر نیز، توجه بیشتر اهل سلوک به این روایت، تا حدّ زیادی مرهون شیوه مرحوم آیه الله حاج سیدعلی آقای قاضی رضوان الله علیه است که چنانکه گذشت روایت عنوان بصری را دستور محوری خود قرار داده بودند.

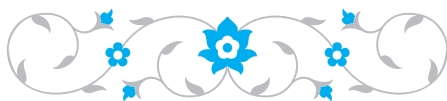
۱. مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۱۹۳.

۲. کشکول شیخ بهائی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۳. المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۴۵ و علم الیقین، ج ۱، ص ۱۰.

۴. أسرار الصلاة، ص ۲۴۵.

در باب روایاتی از این دست گفته‌اند: «مَتْنُهُ دَلِيلٌ عَلٰی صَحَّتِهِ»؛ یعنی خود متن، گواه صحت روایت است. در این جا نیز چنین است: اولاً تمام مضمون و مفاد توصیه‌های روایت عنوان بصری، با دقیق‌ترین مبانی توحیدی و معارف اخلاقی هم‌خوانی دارد؛ ثانیاً روایتی که مورد اعتماد فقهای بزرگ و مورد سفارش و تأکید مکرر اولیای الهی قرار گرفته، بی‌شک از نظر اخلاقی و سلوکی معتبر و مورد وثوق است.



شرح گذرای روایت

علامه مجلسی رضوان الله علیه می فرماید:

وَجَدْتُ بِحَظِّ شَيْخِنَا الْبَهَائِيِّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ مَا هَذَا الْقُطْبُ:
قَالَ الشَّيْخُ شَمْسُ الدِّينِ مُحَمَّدُ بْنُ مَكِّيٍّ: نَقَلْتُ مِنْ حَظِّ الشَّيْخِ
أَحْمَدَ الْفَرَاهَانِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ، عَنْ عُنْوَانِ الْبَصْرِيِّ؛ وَكَانَ شَيْخًا كَبِيرًا
قَدْ أَتَى عَلَيْهِ أَرْبَعٌ وَتِسْعُونَ سَنَةً.
قَالَ: كُنْتُ اخْتَلَفْتُ إِلَى مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ سِنِينَ. فَلَمَّا قَدِمَ جَعَفَرُ
الضَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَدِينَةَ اخْتَلَفْتُ إِلَيْهِ، وَأَخْبَيْتُ أَنْ آخُذَ
عَنْهُ كَمَا أَخَذْتُ عَنْ مَالِكٍ.

به خط بزرگمان شیخ بهاء الدین عاملی قدس الله روحه

نوشته‌ای را یافتیم که عبارت آن چنین است:

شیخ شمس الدین محمد بن مکی (شهید اول) فرمود: من
از خط شیخ احمد فراهانی رحمه الله، از عنوان بصری نقل

می‌کنم؛ او پیرمردی سالخورده بود که نود و چهار سال از عمرش گذشته بود. او گفته است: سال‌ها پیوسته نزد مالک بن انس رفت‌وآمد داشتم و از او بهره علمی می‌بردم. چون جعفر صادق علیه‌السلام به مدینه^۱ وارد شد، من نیز به محضر ایشان رفت‌وآمد را آغاز کردم و دوست داشتم همان‌گونه که نزد مالک به تحصیل علم پرداخته‌ام، از محضر آن حضرت نیز توشه علمی بگیرم.

فَقَالَ لِي يَوْمًا: إِنِّي رَجُلٌ مَظْلُوبٌ وَمَعَ ذَلِكَ لِي أَوْلَادٌ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ عَائَاءِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَلَا تَشْغَلْنِي عَنْ وَرْدِي! وَخُذْ عَنْ مَالِكٍ وَاخْتَلِفْ إِلَيْهِ كَمَا كُنْتَ تَخْتَلِفُ إِلَيْهِ.

«پس روزی آن حضرت به من گفت: من مردی هستم مورد طلب دستگاه حکومتی (آزاد نیستم و برنامه‌ام در اختیار خودم نیست، و جاسوسان مرا مورد نظر و تحت مراقبت

۱. اقامت اصلی امام صادق علیه‌السلام در مدینه بود و حضرت به مناسبت برای سفرهایی از مدینه خارج شده و باز می‌گشتند. از جمله مکرر به سفر حج مشرف شدند و سفر حج در آن زمان گاه ماه‌ها به طول می‌انجامید؛ هم چنین در عصر بنی‌عباس حضرت یک یا چند سفر به عراق داشتند و مدتی طولانی در کربلا و کوفه و بغداد اقامت نمودند. گفته شده یکی از این سفرها دو سال به طول انجامیده است. ظاهراً این جمله ناظر به بازگشت حضرت از سفر عراق است.

دارند.) و علاوه بر این، من در هر ساعت از ساعات شبانه روز، برنامه‌های عبادی خاصی دارم که بدانها مشغولم. پس مرا از برنامه عبادی‌ام باز ندار و همچنان که تاکنون بوده‌ای، به نزد مالک رفت و آمد کن و از او بیاموز.»

فَاغْتَمَمْتُ مِنْ ذَلِكَ، وَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ، وَقُلْتُ فِي نَفْسِي:
لَوْ تَفَرَّسَ فِي خَيْرًا لَمَا رَجَرَنِي عَنِ الْاِخْتِلَافِ اِلَيْهِ وَالاِخْذِ عَنْهُ.
فَدَخَلْتُ مَسْجِدَ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ عَلَيْهِ،
ثُمَّ رَجَعْتُ مِنَ الْعِدِّ اِلَى الرَّوْضَةِ وَصَلَّيْتُ فِيهَا رُكْعَتَيْنِ وَقُلْتُ:
اَسْأَلُكَ يَا اللهُ يَا اللهُ! اَنْ تَعْطِفَ عَلَيَّ قَلْبَ جَعْفَرٍ، وَتَرْزُقَنِي مِنْ
عِلْمِهِ مَا اهْتَدَيْ بِهِ اِلَى صِرَاطِكَ الْمُسْتَقِيمِ!

«پس از این جریان غمگین شدم و از نزد آن حضرت بیرون آمدم، و در دل به خود گفتم: بی‌گمان، او مرا از سربشی اعتنایی از خود نرانده است؛ اگر در من خیری دیده بود مرا از رفت و آمد به محضرش و آموختن علم باز نمی‌داشت.

پس به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم و بر آن حضرت سلام دادم، و فردای آن روز نیز به مسجد برگشتم و در

۱. منظور از روضه، مکانی است ما بین خانه مطهر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و منبر آن حضرت که روایت شده است که حضرت فرمودند: «ما بَيْنَ بَيْتِي وَمَنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ.» (الکافی، ج ۴، ص ۵۵۴).

روضه منوره دو رکعت نماز گزاردم، سپس عرض کردم: از تو درخواست می‌کنم یا الله یا الله! که قلب جعفر علیه‌السلام را بر من منعطف نمائی و از علم او بهره‌ای به من روزی کنی که با آن به راه راست و مستقیم تو هدایت یابم!»

۱. جواب رد امام هم لطف است

از تعبیر «اِخْتَلَفْتُ إِلَيْهِ» (با او رفت و آمد نمودم) و هم چنین «فَقَالَ لِي يَوْمًا» (حضرت روزی به من فرمودند) به دست می‌آید که عنوان بصری، مدّتی خدمت امام صادق علیه‌السلام رفت و آمد داشت و بعد از مدّتی حضرت صلاح دانستند این ارتباط ادامه نیابد. امام علیه‌السلام هیچ‌گاه در آموزش علم و راهنمایی در مسیر خدا بخل نمی‌ورزند و از حضرت جز رحمت صادر نمی‌شود. اگر در اینجا ارتباطشان با عنوان را قطع نمودند شاید به سبب یکی از این دو مسأله بوده است:

الف) حضرت در شرایط تقیّه به سر می‌بردند و حکومت وقت بر ایشان سخت می‌گرفت و لذا نمی‌توانستند با کسی ارتباط مستمر داشته باشند.

ب) حضرت می‌خواستند حال عنوان کمی تغییر کرده و با عطش بیشتری به محضر آن حضرت حاضر شود و نکات کلیدی و ناب‌ی را که به وی آموزش می‌دهند بهتر به خاطر بسپرد و به آیندگان منتقل نماید.